

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیین

الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

بحثی که بود در بحث اجازه بود من چون یک مقداری می خواستیم یک مقداری توسعه داده بشود چون اینها آمدند گفتند بحث کشف علی خلاف القاعده است و ما دیروز یک وجهی را بیان کردیم برای اینکه باز دو مرتبه روشن بشود به چه مطلب دیدیم مرحوم نائینی یک مقداری در همین بحث باز وارد شدند غیر از آن مقداری که مرحوم شیخ قائل شده است .

در این صفحه ۵۲ از جلد ۲ ایشان دارد نسب الی المشهور اجازه کاشفة عن تمامية السبب ایشان اینجور نوشته و هو العقد و اختلفوا فی جهة الكشف یکی : ما عن المحقق الرشتی من ان الاجازة کاشفة عن الرضا التقديری ، چون معلوم می شود بعد که معلوم شد اجازه داد مالک پس یک رضایی بوده لکن رضای تقدیری بوده و این رضای تقدیری کافی است در اینکه عقد صحیح باشد بعد ایشان نوشته مرحوم نائینی وفيه منع الصغری والكبری دیگر آقایان مراجعه کنند نمی خواهم بخوانم .

یعنی اینها در حقیقت واقعی در روایت آمد در کشف از آن طرف هم کشف را واقعا نتوانستند درست بکنند از این حرفها وارد شدند رضای تقدیری ، این یک تقدیر مثلا معلوم می شود در واقع تقدیرا لذا نائینی ممکن است بگوید کجا رضای تقدیری ممکن است در حینی که فضولی فروخته ایشان راضی نبوده بعد از دو روز راضی شده است رضای تقدیری هم ندارد مضافا که رضای تقدیری هم دلیل ندارد .

و منها البته این مطلب که من می خواهم یک نکته ای بگویم اینها بر اثر گذشت زمان مخصوصا بعد از ایام شیخ و اینها چون بحثهایی پیش آمد مرحوم محقق رشتی و دیگران خیلی بحثها توسعه پیدا کرد این توسعه پیدا کردنش خیلی وقت می گیرد . ما اگر درباره همین کشف و اقسام کشف و کشف حکمی و چه کسی چه گفت و اینها بخوایم صحبت بکنیم یک سال بیشتر طول می کشد .

می گویند مرحوم ، آخر این بدایع الاصول دارد مرحوم محقق رشتی اسمش هم یادم رفت فعلا میرزا حبیب الله رشتی همه ی اصول نیست قسمت هایی از اصول است معروف است که ایشان در بحث مقدمه ی واجب در السن شنیدم حالا در کتابش ندیدم چاپ شده باشد ، شش ماه بحث کرد که مقدمه باشد یا مقدمه به فتح دال یا به کسر دال می گویند یک حسابی کردند نجفی ها این طور می گفتند که اگر ایشان با همین ترتیب بدایع یک دوره اصول می خواستند بگویند ۱۲۰ سال طول می کشید خوب بله اگر بنا باشد که آدم در کلمه ی فتح آن دال و کسر دال شش ماه طول بکشد شاید ۲۰۰ - ۳۰۰ سال طول بکشد ۱۲۰ سال هم بیشتر طول بکشد .

این جور صحبت کردن بعد هم خوب طبعاً بعد نائینی آمده و بعد از نائینی هم دیگران آمدند و اگر ما بخواهیم من می خواستم این را بگویم ، لذا ما معتقدیم که باید آن نکات فنی من می خواهم یک چند تا را بخوانم که ببینیم وقتی طول کشید این چه گفت آقا بعد باز آن مناقشه ای که آن آقا کرد باز آقای دیگری می آید می گوید این مناقشه ای که این کرده ما اگر در همین کاشفیت و انواع کشف و کشف حقیقی و کشف حکمی و ثمرات بخواهیم بحث کنیم واقعا می گویم قطعاً بیش از یک سال طول می کشد یعنی قطعاً بیش از یک سال .

خوب این بحث جواب نمی دهد این نحوه ی بحث حالا ممکن بود چون در نجف مثلاً بودند اینها در حوزه های علمیه ی ما در یک وضع خاصی بودند و این مثلاً برای استعدادها و ذهن ها و اینها شاید مثلاً ، الان یک مشکل کلی که ما داریم بحث هایی را که در مکاسب می کنیم الان بیشتر جنبه های عملی خارجی هم مطرح است . ما بخواهیم دو سال در باره ی اجازه بحث کنیم چه وقت برویم پیاده اش بکنیم در جامعه دقت می کنید الان در زمان ما نه به خاطر مثلاً در ایران اصلاً در دنیای عرب کلاً بحث هایی که می کنند این قسمت که بیایم فقه را در جامعه پیاده بکنیم مثلاً فرض کنید در همین کشور لیبی کتاب زکات ، زکات التجارة والاموال اصلاً کتاب نوشتند در کیفیت زکات و گرفتن زکات و مال زکات یعنی با اینکه خوب حالا یک کشور خاصی بود اینها سعی شان بر این بود که بیایند فقه را در جامعه پیاده بکنند .

یک عده از این کشورهایی که عنوان جمهوری اسلامی دارند چند تا کشور اینها یکی از حرف های اساسی شان این است که بیایند ، خوب پیاده کردن فقه با این ترتیب بخواهید در کشف یک سال صحبت کنید این به هیچ کجا نمی رسد واقعا نمی رسد هم بحث علمی و فنی و آن نکات فنی را باید بیان کرد که خود به خود این رضای تقدیری از بین برود اصلاً نکته ی فنی باید بیان کرد اصلاً نکته ی فنی این است که رضا نهایت دلالت بر اباحه ی تصرف بکند به عقد ربطی ندارد ما دیروز بیان کردیم دیگر اصلاً با بیان حالا اشکال مرحوم نائینی که دارد و فیه منع صغرا و کبرا نمی خواهد ، نه منع صغری می خواهد و نه منع کبری می خواهد دقت کردید ؟

رضا چاره ای نمی کند کاری درست نمی کند حالا شما رضای تقدیری درست کنید ، رضای فعلی درست کنید چه چاره ای درست می کند ؟ ما اصلاً لذا بحث را یک جوری مطرح کردیم که ریشه ی این بحث ها برداشته بشود اصلاً جای این بحث ها ، این یکی .

و منها ما عن الفصول واخيه المحقق مراد از برادر ایشان صاحب هداية المستشهدین است که شرح معالم است خیلی مفصل در نجف معروف بود که به ، چون فصول مختصر است هدایه خیلی شرح های طولانی دارد هدایه المستشهدین که شنیدم تازگی چاپش هم کردند ۵-۶ جلد چاپ کردند هدایه المستشهدین شنیدم چاپ کردند . گفتند به ایشان نظرتان راجع به کتاب فصول چیست گفتند یک نقطه کم دارد فصول است ، فصول نیست یک نقطه بگذارید ، یک نقطه کم دارد .

.....  
علی ای به هر حال خیلی ایشان در ، آن وقت این دو بزرگوار وصف التعقب را گرفتند نه خود اجازه این وصف برای عقد پیدا می شود  
التعقب بالاجازة یعنی عقدی که متعقب به اجازه است آن سبب تام است خوب روشن شد ما حالا این اصلا ، خوب این خلاف ظاهر  
است بعد ایشان گفته و فيه ومنها ما عن المحقق والشهيد الثانیین من ان العقد سبب تام فی الملك لعموم قوله تعالى اوفوا بالعقود و تماميته  
فی الفضولی يعلم بالاجازة

این یعلم بالاجازة کشف را به معنای علم گرفتند گفتیم کشف به معنای علم مشکل ندارد که اصلا این بحثها را چرا می کنند و بعد  
ایشان دارد که و فيه باز دو مرتبه اصلا این بحثی ندارد . شما الان یک حادثه ای اتفاق می افتد می گوید عجب معلوم شد یک کاری که شش  
ماه قبل بوده نکته اش این بوده است ، کاری که یک سال قبل فلان آقا انجام داده نکته اش را الان می فهمیم این می شود ، علم پیدا کرد . آن  
که در اجازه مشکل است مؤثر باشد من حین الاجازة مؤثر باشد نه علم ، علم مشکل ندارد که لذا ایشان می گوید یعلم بالاجازة دیگر  
نمی خواهد مرحوم نائینی اشکال بکند و فيه

بعد می گوید و يمكن توجيه الكلام بعدش و بالجملة ، و منها ما استدل به الثانیان وهو ان الاجازة متعلقة بالعقد فهي رضا بمضمونه باز  
رفتند به رضای به مضمون و ليس الا نقل العوضين من حينه یعنی من حین یعنی الاجازة انفاذ للعقد السابق والعقد السابق تم حین صدوره  
من العاقد ، آن وقت اشکال مرحوم شیخ که در عقد سابق زمان نبوده در عقد زمان نیست وقتی آمد گفت فروختم این دیگر درش زمان اخذ  
نشده ایشان هم همین اشکال را می کند که در عقد سابق زمان اخذ نشده است . اصلا معلوم شد این بحثها جایگاه درستی ندارد زمان  
نمی خواهد اخذ بشود یا نشود و ثانیاً و ثالثاً و الی آخره .

بعد ایشان و منها ما استدل به ثانیاً و ثانیاً ، بعد وارد بحث قبض و فرق بین اجازه و قبض ایشان می شود و بعد هم متعرض فرق آن  
می شود و منها ما عن فخرالدین فی الايضاح من انها لو لم تكن كاشفة لزم تأثير المعدوم فی الموجود لان العقد حالها معدوم خوب بعد  
جواب داده والحاصل فالحق فی الجواب ما تقدم ان المنشاء بنظر المنشی لا يتخلف عنه و انما المتخلف هو الانشاء فی عالم الاعتبار  
العقلانی او الشرعی وهو اذا كان متوقفاً علی رضا المالك لا يتحقق بمجرد انشاء الفضولی عرض کردیم و منها انه يمكن تحقق الملك بعد  
جواب می دهد این جواب را هم خود ایشان می دهد .

این جوابها عرض کردم نمی تواند کاری را انجام بدهد ممکن تحقق العقد حین الملک مع کونه مشروطا بالشرط المتأخر ، چرا چون در شروط شرعی مثل شروط عقلی نیستند دیگر ایشان وارد این بحث شیخ هم کردند بعد ایشان وارد بحث می شود که آیا شروط عقلی و شروط شرعی با هم دیگر فرق می کنند یا نه ، بعد وارد غسل استحاضه که مرحوم شیخ هم دارد .

بعد ایشان انحاء کشف را هم که مرحوم شیخ نقل کردند ایشان هم نقل کرده برای اینکه دیگر وارد آن بحث ایشان ، معلوم شد که آقا این وجوهی را که مرحوم آقای نائینی فرمودند و مناقشه کردند این وجوه کلا یعنی تطویل کلامی است که خیلی نمی تواند و انصافش این است که ما مثلا بعد از این تفصیلی که مثل مرحوم صاحب بدایع داشت شاگرد ایشان مثلا صاحب کفایه کل اصول را در دو جلد مختصر جمع کرد یعنی ما یک مرحله ای آمد که گفتند بیایم جمعش بکنیم بعد از اینکه خیلی پخشش کردند ، بیایم جمعش بکنیم و حق در مقام هم همینطور است ما هم به جای اینکه این را توسعه بدهیم و غالبا دیگر نخواندم کلمات را این را به اصطلاح جمع و جورش بکنیم عرض کردم بهترین راه به نظر ما این است که اجازه به خود عقد می خورد به رضا نیست ، عقد یک امری است یعنی بعبارة اخری ربط دادن بین دو چیز است کار اجازه این است .

پس اجازه می تواند موثر باشد برای اینکه این عقد را این گرهی که خورده سفتش بکند که من فردا توضیحات بیشتری می دهم نه اینکه گرهی جدیدی ایجاد بکند و نه اینکه فقط رضا باشد به آن گره ، آن گره را سفتش می کند و این اشکال چه مشکل خاصی دارد از حین اجازه این . بله می ماند مساله ی نماء و بعضی از آثار آن بحث دیگری است آن را باید از راه خودش حلش بکنیم و الا الان به نظر ما اجازه

و الا به ذهن ما اجازه کاشفیت اجازه کاملا علاوه

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين